

آینه

ایران

«واکنش تندسایت احمدتوکلی به‌رسانی»

سایات الف، متعلق به احمد توکلی در یادداشتی با عنوان «اتهامات تکراری» از نطق «حمید رسایی» علیه دولت انتقاد کرد. «الف» با بازخوانی بخشی از نطق وی مبنی بر اینکه «نه چرخ سانس‌تریفویژ می‌چرخد و نه کار خانه» این سوال را مطرح کرد که «با کدام آمار به این نتیجه رسیده‌اید که چرخ کارخانه‌های کشور خوابیده است؟» الف در ادامه نوشت: «دست شما و دوستانتان اقتدر از تخریب دولت خالی است که گرانی مقطعی کوجه‌فرنگی که در همه سال‌ها به خاطر شرایط فصلی اتفاق می‌افتد را به یک نیم‌صفحه در روزنامه‌هایتان تیتیر یک می‌کنید، از کجا فهمیدید اقتصاد کشور هنوز مانند دوران پایانی دولت محبوبتان است؟ زمانی که بی‌ثباتی بازار و قیمت‌ها مردم را گیج کرده بود.» در ادامه این یادداشت آمده: «جناب رسایی، روحانی به غرب خوشین نیست، به حماقت بدین است… دیپلماسی این دولت میلیاردالار از دشمن پس گرفته است.»

وقت امروز

سرمقاله: «افزایش «گازانبری» قیمت نان»؛ حسین‌بابا‌زاده‌مقدم

از نظر فقهه سیاسی و اقتصادی اسلام، دولت و حاکمیت در قبال تامین نان به‌عنوان اصلی‌ترین غذای مورد استفاده، مسوولیت‌هایی انکارناپذیر و بسیار جدی دارد و سایر موضوعات مربوط به تغذیه در رده‌های بعدی اولویت و ارجحیت قرار می‌گیرد اما متأسفانه برخوردهایی اینچنین با این کالای مهم نشان می‌دهد قوه‌مجریه اهتمام لازم را نسبت به ادای مهم‌ترین و درعین‌حال ابتدایی‌ترین وظایفش ندارد.
این دیگر نقد مواضع هسته‌ای و مذاکرات پیچیده و صالته‌ی بی‌نتیجه هسته‌ای نیست که گفت‌وگوکردن و نوشتن از آن سزایی همچون مورد شکایت قرار گرفتن از سوی دولت را داشته باشد، موضوعی بسیار ساده است؛ یعنی نه نان به معنای محتوایی کلمه بلکه نان به معنای اخص کلمه مورد تهدید قرار گرفته است و کسی درباره آن پاسخگو نیست.



یادداشت: «راز ملازمت بصیرت‌وصبر»؛

محمدجوادآخوان

آنگاه که جامعه اسلامی به حدی از بلوغ می‌رسد که سایه‌سار ولایت و امامت را بر سر خود می‌پذیرد، خداوند متعال این جامعه را با ابتلائات و فتنه‌ها می‌آزماید. عبور جامعه از این مراحل دشوار هم میزان ایمان جامعه را عیارسنجی می‌کند و هم ایمان و ولایت‌مداری آنان در کوره حوادث و سختی‌ها آبدیده و مستحکم می‌گردد. اما به تعبیر مولای مقتیان رمز عبور موفقیت‌آمیز از این مراحل سخت و دشوار تجهیز به سلاح «بصیرت و صبر» است. بصیرت‌داشتن به معنای نگاهی ژرف، تیزبین و کم‌کردن راه در صحنه‌های غبارآلود است. صبر را نیز می‌توان در معنای استقامت و پابردی در استمرار راه و نیز جلوزدن و عقب‌نیفتادن از امام امت معنا نمود. تلازم و همراهی این دو معنا در کنار یکدیگر رمزگشای ضرورت تجهیز مومن به آن دو در فتنه‌هاست.

کیان

سرمقاله: «استراتژی همیشه‌بیروز»؛ محمدصرفی
در شرایط خطیر چالش هسته‌ای و در حالی که تمام قدرت‌ها صف کشیده‌اند و با تهدید و تطمیع می‌خواهند ما را به زانو درآورند، این الگوی روشن امروز در برابر ماست. در عرصه جنگ شهید تهرانی‌مقدم‌ها، غرب را تحقیر کردند… چند دهه بعد هم درباره چالش هسته‌ای قضاوت خواهد شد. بی‌شک این برگ از تاریخ جمهوری اسلامی نیز درخشان خواهد بود. چرا که عزم نظام و مردم جزم شده است که به هیچ قدرتی باج ندهند و این‌گونه است که می‌توانند قهرمان بمانند.

سازش

سرمقاله: «اتاق کوچک و خواسته‌های بزرگ»؛

اتاق مذاکرات هسته‌ای «محدود» و خواسته‌های طرف مقابل در مذاکرات «متکثر» است. تا زمان جولان این خواسته‌های متکثر در محیط محدود مذاکرات، عملاً فلسفه مذاکرات هسته‌ای زیر سوال خواهد رفت… بدیهی است که مجرای طرح هر خواسته یا مطالبه‌ای در نظام بین‌الملل و در مناسبات دیپلماتیک بین کشورها کاملاً متعارف و مشخص است. به عنوان مثال مقامات فرانسوی می‌توانند نگرانی‌های خود در منطقه را از طریق کریدور مناسبات دوجانبه بین تهران و پاریس مطرح کنند. همچنین ایالات متحده آمریکا می‌تواند نگرانی‌های خود نسبت به شکست در خاورمیانه و ناتوانی‌های روزافزون خود در منطقه و نظام بین‌الملل را در مجرا، قالب و چارچوبی دیگر طرح کند. دخیل‌کردن این مسایل پای میز مذاکرات هسته‌ای و «تغییر رفتار ی ناشی از وجود این دغدغه‌ها» نشان از غیرواقعی‌بودن نیت طرف مقابل برای رسیدن به توافق واقعی با ایران دارد. هدایت‌کردن «حجم انبوه خواسته‌های بین‌المللی» به زیر سقف مذاکرات وین، ژنو، مسقط و نیویورک و تلفیق دغدغه‌های شش عضو ۵+۱ در فضای کوچک مذاکرات، آن هم درحالی‌که فاکتور زمان در مذاکرات بسیار مهم و ارزنده است، صرفاً در راستای همان روند «پیچیده‌سازی مذاکرات» توسط اعضای ۵+۱ قابل تجزیه و تحلیل است.

سیاست

علی تاجرنیا در گفت‌وگو با «شرق»:

اصلاح‌طلبان حزب واحد و فراگیر تشکیل دهند

مهسا جزینی



عکس از رویه رسمی شرق

می‌گوید اصلاح‌طلب و اصولگرا ندارند؛ هر دو دسته ۳۵سال است در دور بسته‌ای گیر افتاده‌اند و مدام خودشان را تکرار می‌کنند. حتی دعواها و منازعاتشان هم دیگر تکراری شده‌است. پیشنهاد او تشکیل یک حزب واحد است. برای این طرفی‌ها، حزب اصلاح‌طلب و آن‌طرفی‌ها حزب اصولگرا، معتقد است برای اینکه کشش سیاسی در مسیر قدرت قانونمند شود، افراد مسوولیت رفتارشان را بپذیرند و پاسخگو شوند، تنها راه همگرایی درون‌گروهی و رقابت برون‌گروهی است. باید روی اشتراکات تکیه و توان‌ها را یک‌کاسه کرد. آیا اصلاح‌طلبان باید در قالب یک حزب واحد متحد و منسجم شوند؟ با «علی تاجرنیا» درخصوص ایده شکل‌گیری یک حزب فراگیر اصلاح‌طلبی گفت‌وگو کرده‌ایم. او معتقد است الان وقتش رسیده است.

آ را و خواسته‌های مردم خود را نمایندگی می‌کنند و بیعتا پایا و ماندگار هم بوده‌اند.

بله. درحالی که متأسفانه ما از ابتدا وضعیتی داشتیم که علی‌رغم وجود احزاب، همیشه مقدرات سیاسی در جایی دیگر رقم خورده است؛ یعنی در مناسبات اشخاص نذی‌نقد. اینکه در کشور ما اسم یک فرد خیلی مهم در جریان اصلاحات به اندازه ۱۰ حزب کار می‌کند یک واقعیت است اما آیا این به معنای این است که باید این روش را باید برای همیشه دنبال کنیم؟ اگر با خلا وجودی این افراد روبه‌روشویم چه کنیم؟ آیا پیش‌بینی مشکلات بعد از آن را کرده‌ایم؟ من احساس می‌کنم افرادی که اعتبار ویژه‌ای دارند باید بایند در قالب احزاب فعال شوند یا رسماً یا معنوی. اتفاقاً در چنین شرایطی شکل‌گیری جریان‌های پوپولیستی و خلع‌الساعه که با اهرم‌های تبلیغاتی یک‌شبه صاحب قدرت می‌شوند کم می‌شود و پدیده‌هایی مانند «احمدی‌نژاد» دیگر ظهور پیدا نمی‌کنند که اعمالی ازشان سر بزند که حتی حامیانشان هم دربرابر آن احساس مسوولیت نکنند.

پس پیشنهاد شما صرفاً به جریان اصلاح‌طلب نیست به اصولگرایان هم هست. اتفاقاً بعد از انتخابات ۹۲ آقای باهنر یک‌بار چنین ایده‌ای را مطرح کرد که اصولگرایان حزب فراگیر تشکیل دهند. البته به نظر می‌رسد که آنها هم در همان خشت نخست مانده و کاری از پیش نبرده‌اند.

بله، به نظر من تمام آسیب‌هایی که در مجموعه اصلاح‌طلبی وجود دارد به شکل قوی‌تر در بین اصولگرایان دیده می‌شود. این مجموعه‌ها درون خود با رفتار جبهه‌ای دچار فرسایش و موازی‌کاری شده‌اند که برآیند آن خنثی‌شدن کشش‌های‌شان است. **پس به اعتقاد شما می‌شود بین همه اینها یک مخرج مشترک گرفت و از این مخرج مشترک حزب واحد اصلاح‌طلبی را بیرون کشید، اما بحث اصلی اراده معطوف به چنین رخدادی است. به نظر شما اراده آن بین جریان‌های اصلاح‌طلبی وجود دارد؟**

الان ما چیزی داریم به نام شورای مشورتی که بالغ بر ۹۰ درصد اصلاح‌طلبان را ذیل آقای خاتمی گرد هم آورده است. این آدم‌ها حزب نیستند اما خیلی راحت کنار هم نشستند و مباحث را دنبال می‌کنند. چرا در قالب حزب نتوانند؟

فکر نمی‌کنید علت این کنار هم نشستن‌ها همین است که یک حزب نیستند؟ یعنی اگر بخواهند در قالب یک حزب بروند شاید دیگر به این راحتی نباشد؟

اتفاق می‌خواهم بگویم که اینها در شکل فعلی اگر‌گذاری لازم را ندارند. این نوع رفتارها برای فرارکردن از پاسخگویی است. مجموعه‌هایی که در بزنگاه‌ها تأثیرگذارند اما آنجا که باید پاسخگو باشند حضور ندارند. ما در انتخابات شورای شهر این مساله را دیدیم که نهایتاً به یک حرکت منسجم منجر نشد. کلاً نگاه من این است که کار جبهه‌ای و اتلافی غیر جزئی‌سی خیلی جواب نمی‌دهد. شاید خیلی‌ها بگویند در شرایط سیاسی کشور این شکل کارها نوعی میان‌بر و راه‌گشاست، اما پاسخ من این است که بعد از گذشت ۳۵سال از انقلاب بالاخره ما کی قرار است وارد راه اصلی شویم و از میان‌برها بیرون بیاییم؟ اگر شرایط در کشور ما به گونه‌ای است که یک جریان سیاسی امکان فعالیت ندارد خب دلیلی ندارد که قالب‌هایش را عوض کنیم. من به شما عرض می‌کنم در انتخابات آتی مجلس هم اگر قرار باشد همین گونه عمل کنیم بازهم در هر همین پاشنه می‌چرخد و در درازمدت هسته‌های اصلی جریان اصلاح‌طلبی هم کم‌کم مضمحل شده و کنار می‌روند و آدم‌هایی دیگر جایگزین می‌شوند که اگر‌گذاری لازم را ندارند.

خبر

روایت آل اسحاق از دیدار با موسوی

● «یچی آل اسحاق» رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران، در گفت‌وگو با برنامه شناسنامه با اشاره به اختلافات در وزارت بازرگانی دولت مهندس موسوی گفت: «آن موقع، انجمن اسلامی دولت درست شد، جمعی از وزرا با آقای مهندس موسوی سر همین مسایل اصولگرایی – آن موقع اصولگرایی مطرح نبود- بحث داشتند. آنها از نظر سیاسی اختلاف داشتند. بنابراین در خود وزارت بازرگانی دو گروه شدند. یک گروه طرفدار موسوی، یک گروه طرفدار جریان مقابل. اختلافات بالا کشید و به امام کشید. نهایتاً رفتند خدمت امام مطرح کردند. نتیجه این شد که آنها باید استعفا بدهند. به مجموعه‌شان یک تعدادی استعفا دادند. ما در داخل یک جریان بودیم که دنبال اسلامی‌کردن مقررات وزارت بازرگانی بودیم. آقای عسکراولادی احساس کرد برای اینکه با ایشان مقابله کند به مردم فشار می‌آورد بنابراین استعفا کرد.» به گزارش فارس «آل اسحاق» با اشاره به مواضع آخر «عسکراولادی» نسبت به مهندس «موسوی» گفت: «آقای عسکراولادی با چهار، پنج نفر دیگر رفتند دفتر آقای موسوی. قبل از بحث‌های انتخابات همان اوایل که ایشان داشت کاندیدا می‌شد نم‌نکم دعواها شروع شده بود. موسوی به ما گفت من بسیجی هستم، از چارچوب نظام بیرون نمی‌روم. من خودم بودم. من و آقای عسکراولادی و پنج نفری که جزو رجال سیاسی هستند رقیتم همان ساختمانی که در میدان ولیعصر است. آقای عسکراولادی گفت من تو را می‌شناسم. با وجود اختلافاتی که ما با هم داشتیم در صداقت تو شک نداشتم، تو منتسب به امام بودی. او شروع کرد خصوصیات متنبش را بیان کرد ولی گفت کمیت‌گرایی داری انتخاب می‌کنی دورنمایش را خوب نمی‌بینم، نگران هستیم که خدای‌نکرده به شما و به کشور لطمه بزند، یک مقدار تامل کن. در روش و منش و برخوردت یک‌خورده حساب‌شده‌تر باش که به اصل نظام لطمه نخورد.» آل اسحاق افزود: «ایشان برگشت ضمن احترام به آقای عسکراولادی و دوستان گفت من خودم بسیجی هستم. برای انقلاب هزینه گذاشتم، شما نگران نباشید من حتما از چارچوب بیرون نمی‌روم. من با حفظ همه چارچوب‌های نظام عمل می‌کنم. منتها این مسیر را شروع کردم، به من اجحاف شده، ظلم شده، کذا و کذا. بار دوم گفتند باشد اگر می‌خواهی انجام بدهی با این ادبیات انجام بده. با یک توصیه‌هایی ایشان هم قول داد حال‌وهوایی که اطراف ایشان بود باعث تغییر شد.»

رییس اتاق بازرگانی تهران گفت: «برآورد آقای عسکراولادی این بود که اطرافیانی که دور ایشان بودند نگذاشتند ایشان به تصمیمی که در آن جلسه رسیده بود عمل و در چارچوب حرکت کند. در آخر می‌گفت باید رفت و کمک کرد و از این داستان او را دراورد. منتها با حفظ همه اصول شروع کرد. یکسری مکاتبات، دوباره نصیحت‌کردن و… با نیت خالص بود با اینکه برای این کار خیلی با ایشان مخالفت کردند.» او افزود: «از دوستان نزدیک‌شان با مخالفت کردند. حتی در جریان حزب هم عنوان کرده بود من حاضرمن از حزب بروم بیرون که هزینه من به حزب تحمیل نشود، من وظیفه شرعی‌ام تشخیص دادم که با این اواخر بعد از اینکه کلی رفت و آمد و مکاتبه شد، به‌نظرم آخر به این نتیجه رسید که فایده‌ای ندارد.»

آقای محمدهاشمی یکی از دلایلی که برای خرویش از کارگزاران داشت این بود که می‌گفت

حزب «کارگزاران» بدل به جبهه شده‌است. فکر نمی‌کنید این بحث اینجا هم صادق باشد. تبدیل جریان‌های اصلاح‌طلب به یک حزب باعث نمی‌شود که درعمل همان اتفاق بیفتد و حزب، کار جبهه را انجام دهد؟
حزب به مراحل از پدیده‌های جامعه مدرن است و باید مناسباتی را رعایت کند. با این نگاه می‌توان گفت کارگزاران هم حزب نبوده است. آنجا هم «محمد هاشمی» را داشت و هم «حسین مرغشی» را. ولی بحث من سر این است که شما می‌توانید در یک مجموعه حضور داشته باشید اما فراسویزیم را هم به رسمیت بشناسید. قرار نیست همه عین هم فکر کنند. می‌شود اشتراکات را درآورد و حول آن جمع شد. عمده نیروهای اصلاح‌طلب، دموکراسی‌خواه هستند. وقتی دور هم می‌نشینند می‌توانند بحث کنند و به هم نزدیک شوند. اتفاقاً فراگیرشدن حزب شاید باعث شود مثلاً نیروهای معتدل‌تر بتوانند فضا را کنترل کنند و جلو تدرخوا را بگیرند. می‌شود این‌طور هم به قضیه نگاه کرد و به فواید آن اندیشید.

● **ایرنا:** آیت‌الله احمد علم‌الهدی در خطبه‌های دیروز نماز جمعه مشهد ضمن گرامیداشت ۱۲۱۶ روز دانشجو افزود: هرچند دانشگاه جای تضارب افکار و سلیقه‌های مختلف است، اما جای تریبون‌سازی برای ضدانقلاب، ضدنظام و ضدولایت‌فقیه نیست. او افزود: هرسال همزمان با ۱۲۱۶ و روز دانشجو، عده‌ای لاییک و جریان‌های سیاسی قدرت‌طلب و فرصت‌طلب به اسم دانشجو یا جنبش دانشجویی، به‌دنبال آن هستند که قشر عظیم و سرنوشت‌ساز دانشجو و دانشگاهی را با اهداف خود همسو کنند. امام‌جمعه مشهد گفت: اگر بنا باشد مدیران دانشگاه‌ها با تساهل و تسامح و به‌خاطر گرفتن ژست در مقابل ضدانقلاب، در دانشگاه‌ها برای آنان تریبون‌سازی کنند، مردم انقلابی بیدار و هشیارند و مردم سال ۱۳۵۸ عمل کرده و دانشگاه‌ها را تطهیر می‌کنند. او ادامه داد: دانشگاه‌ها نباید تریبون عده‌ای قدرت‌طلب شوند که به اسم حمایت از جنبش دانشجویی بایند و مزدوری خود را ثابت کنند و چهره اپوزیونی ضدنظام را در دانشگا و در سایه جنبش ضداننشجویی نشان دهند. آیت‌الله علم‌الهدی افزود: در سال ۱۳۵۸ وقتی گروه‌های الحادی و التقاطی در دانشگاه تهران سنگربندی کردند تا دانشگاه را تصاحب کنند، مردم انقلابی افراد ناشایست را بیرون ریختند و چهارسال در دانشگاه‌ها بسته ماند تا دانشگاه آماده انقلاب فرهنگی شد. او تأکید کرد: امروز این مردم همان مردم انقلاب این زمان هستند که همواره در تمام صحنه‌های نظام حابزند. او به اقدام آنچه آن را «فتنه گران» می‌خواند در ۱۱۶اذر سال۱۳۸۸ اشاره کرد و گفت: در این روز عوامل مزدور به اسم بزرگداشت جنبش دانشجویی، این جنبش را مصادره و اقدام به پاره‌کردن عکس امام راحل کردند.